



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال ۴۹۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت hekmat.public-archive.net

جمعه ۱۶ فروردین ۱۳۹۲، پنجم آپریل ۲۰۱۳ - ۱۶ صفحه

تعیین بخشی به انقلاب

منظور از تعیین بخشیدن به انقلاب مجموعه ای از این فعالیتهای اجتماعی است که در ابعاد و جنبه های مختلف جنبش توده ای برای سرنگونی حکومت را هم از نظر مضمون و هم از نظر شکل مبارزه رادیکال تر و قدرتمند تر و گسترده تر، و در مقابل سرکوبگریهای قدرت حاکمه و مانورها و دخالتگریهای نیروهای رنگارنگ ضد انقلاب، مصون تر و ایمن تر میسازد.



حمید تقوایی

صفحه ۲

سال ۹۲ و جنگ بر سر میزان حداقل دستمزدها

با آغاز سال جدید ما در شروع جنگی وسیع و گسترده بین کارگران و کل مردم با رژیم اسلامی بر سر خواست افزایش دستمزدها و علیه فقر و گرانی هستیم. بویژه اینکه بیش از یکماه به اول مه روز جهانی کارگر نمانده است. روزی که همه این اعتراضات را میتواند در خود جمع کند و به یک حرکت اعتراضی عظیم و اجتماعی علیه فقر و فلاکت و با خواست افزایش فوری دستمزدها تبدیل شود.



شهلا دانشفر

صفحه ۳

چرا یک روز بین المللی در دفاع از آمینا لازم است؟

صفحه ۴

مصاحبه با مریم نمازی



درک وارونه از دنیای وارونه

صفحه ۱۳

سیاوش آذری

بازتاب هفته

صفحه ۱۱

بهروز مهربادی

زن آزاد

صفحه ۸-۹

شهلا دانشفر-فرح صبری

قلب مهربان عطا محمد نژاد (عطا دیواندره) از حرکت ایستاد!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تعیین بخشی به انقلاب

حمید تقوایی

جامعه ایران آستان تحولات زیر رو کننده ای است. همه ناظرین سیاسی و نیروهای دخیل در وضعیت سیاسی ایران، اعم از دولتهای غربی و دولتهای منطقه، جمهوری اسلامی و باندهای حکومتی، و نیروهای اپوزیسیون از چپ و راست، میدانند که وضعیت حاضر بشدت ناپایدار است و قابل ادامه نیست. همه میدانند یک طوفان انقلابی، یا بقول حکومتیها یک "فتنه بزرگ"، در راه است و همه به نحوی خود را برای این شرایط متحول آماده میکنند.

وضعیت حاضر بر متن و بستر عمومی انقلابات و تحولات سیاسی در منطقه شکل گرفته است و بشدت از این شرایط متأثر است. کمپ انقلاب و ضد انقلاب هر دو از تجربه انقلابات منطقه نتایج و درسهای خود را گرفته اند و سناریو و افق و چشم انداز مطلوب خود را در برابر جامعه قرار میدهند. ضد انقلاب - جمهوری اسلامی، دولتهای غربی، ترکیه و روسیه و نیروهای اسلامی در منطقه - به تجربه سوریه دخیل بسته است، کشتار و ویرانی در این کشور را - که خود باعث و بانی آن است - بحساب خیزش انقلابی مردم مینویسند و مردم را از "عواقب" مبارزه علیه حکومت میترسانند. در مقابل این چشم انداز سیاه، کمونیستهای انقلابی نظیر حزب ما بر سقوط دیکتاتوری های چند دهساله به قدرت مردم انقلابی، تاکید میکنند و چشم انداز انقلاب و آزادی و رهائی کل جامعه بقدرت انقلاب را در برابر مردم قرار میدهند. اما کدام سناریو و کدام چشم انداز آینده ایران را رقم خواهد زد؟ شرایط ناپایدار حاضر به چه ختم خواهد شد؟ انقلاب و رهائی یا جنگ و ویرانی؟ سرنگونی حکومت

اسلامی بقدرت انقلابی مردم و تاووم جمهوری اسلامی و فقر و سرکوب در شکل و ظاهری دیگر؟ پاسخ به این سؤال از پیش و خودبخود معلوم نیست بلکه به نقش و عملکرد نیروهای سیاسی در جامعه گره خورده است. پاسخ تماما به این بستگی دارد که نیروهای انقلابی در مقابل تمهیدات و سیاستها و مانورهای

میداندار شدند. البته در هیچک از این کشورها بورژوازی قادر به آرام کردن و متعارف کردن اوضاع نبوده است، مسله قدرت سیاسی در این کشورها هنوز تماما تعیین تکلیف نشده است و کشاکش و اعتراض بویژه در مصر و در تونس علیه حاکمین جدید همچنان ادامه دارد اما حتی در همین جنبشهای اعتراضی دوره بعد از سرنگونی

دولت اسد و ارتش آنرا به دست بگیرد میتوانست جانی برای مانور و میداندار شدن نیروهای مسلح ارتجاعی و وابسته به دولتهای ارتجاعی منطقه ای و غربی باقی نگذارد و انقلاب توده ای مردم سوریه را به پیروزی برساند.

تجربه سوریه بخصوص از نقطه نظر نقش مستقیم جمهوری اسلامی در حمایت همه جانبه از رژیم اسد و در کشتار مردم انقلابی سوریه و هم چنین نزدیکی و همپیمانی و هم سرنوشتی رژیم

اهمیت وجود یک حزب و نیروی انقلابی تنها به سازماندهی و رهبری مبارزات محدود نمیشود. نفس حضور و وجود یک حزب فعال انقلابی به معنی برخوردار بودن توده مردم و کمپ انقلاب از یک آلترناتیو حکومتی است که میتواند در برابر بالائیها و دولتهای دست ساز آنها قدرت خیابان و انقلاب، قدرت مردم متشکل در شوراها و عروج تشکلهای نوع شورائی بعنوان دولت را نمایندگی کند.

جمهوری اسلامی با رژیم سوریه بعنوان دو نیروی محوری جنبش اسلام سیاسی در منطقه، برای مردم و امر انقلاب در ایران بسیار حائز اهمیت است. سقوط اسد - امری که اجتناب ناپذیر به نظر میرسد - بی شک ضربه ای کاری به جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد و این علت اصلی حمایتهای بیدریغ مالی و نظامی جمهوری اسلامی از حکومت رو بموت بشار اسد است. رژیم با تمام قوا میکوشد از سقوط اسد ممانعت کند تا سقوط خود را به عقب بیاندازد. اما جنبه دیگری که رژیم روی آن حساب میکند اینست که با هر چه طولانی تر و خونین تر شدن روند سرنگونی اسد و بالا رفتن آمار کشتارها و خانه خرابیها در سوریه، یک نمونه الگوی منفی و هولناک در برابر مردم ایران قرار بدهد و این تصور را برمردم القا کند که خیزش انقلابی مردم در ایران نیز میتواند به سناریوی نظیر سوریه تبدیل بشود. علت دخالتگریهای جمهوری اسلامی در سوریه فقط ممانعت از سقوط اسد نیست بلکه همچنین

دیکتاتورها و برای تعیین تکلیف نهائی قدرت به نفع توده های مردم نیز وجود و حضور فعال یک نیروی رهبری کننده چپ و رادیکال مطلقا ضروری و حیاتی است.

تجربه سوریه بیش از موارد دیگر ضرورت وجودی یک رهبری انقلابی را برجسته میکند. تحولات سوریه که با خیزش انقلابی توده مردم شروع شد با دخالتگری نیروهای ارتجاعی منطقه از هر دو سو - روسیه و جمهوری اسلامی در دفاع از اسد و دخالتگری نظامی نیروهای اسلامی و قومی وابسته به ترکیه و عربستان و دولتهای غربی برای کسب نفوذ و کنترل اوضاع بعد از سقوط اسد - به یک جنگ داخلی و ویرانی و کشتار منجر شده است.

دست به اسلحه بردن و مقاومت مسلحانه در برابر رژیم اسد که از همان روز اول به تظاهرات توده ای مردم آتش گشود، امری اجتناب ناپذیر بود اما تنها حضور و دخالتگری فعال یک نیروی چپ انقلابی که بتواند رهبری مقاومت و تعرض مسلحانه در برابر جنایات

کمپ ضد انقلاب، در برابر سرکوبگریهای جمهوری اسلامی و توطئه ها و بند و بستها و دخالتگریهای دولتهای ارتجاعی غرب و منطقه، چه میکنند و چه خط و سیاست و مبارزه ای عملی را در دستور خود قرار میدهند.

به نظر من آنچه حزب ما، و هر نیروی کمونیست انقلابی، در قبال شرایط حاضر باید در محور کار خود قرار بدهد سیاستی است که بطور خلاصه و فشرده میتوان آنرا "تعیین بخشیدن به انقلاب" نامید. برای توضیح این خط مشی اجازه بدهید از تجربه انقلابات منطقه شروع کنیم.

تجربه انقلابات منطقه و مساله رهبری

آنچه تجربه انقلابات منطقه، مشخصا در مصر، تونس و لیبی، مورد تاکید قرار میدهد نقش تعیین کننده رهبری است. این انقلابها در گام اول، یعنی ساقط کردن دیکتاتور، موفق بودند اما با سقوط دیکتاتورها اسلامیون و کلا نیروهای راست به قدرت رسیدند و

قدرتمندی در برابر انقلاب، و یا بقول سران هراسیده رژیم، "فتنه بزرگی" است که در خود ایران رخ خواهد داد. جمهوری اسلامی در سوریه سرکوب انقلاب ایران را تمرین میکند و درجه توحش و درنده خوئی خود را به رخ جامعه میکشد. چگونه میتوان این تمهیدات و تلاشهای ارتجاع حاکم را خنثی کرد و راه خیزش انقلابی توده مردم در ایران را هموار نمود؟ پاسخ به این سؤال نیز باز ما را به مساله رهبری باز میگرداند.

نیروی رهبری کننده ای که از همین امروز سیاستها و تلاشهای ضد انقلاب را خنثی کند، در برابر آلترناتیوهای ارتجاع جهانی و بدست گرفتن کنترل اوضاع بعد از سقوط دیکتاتورها - مانند مورد تونس و مصر و لیبی - بایستد و آلترناتیو انقلاب، یعنی اعمال اراده و قدرت مردم متشکل بعنوان دولت، را قرار بدهد، و مهمتر از

همه از خون پاشیدن به انقلاب و دخالت نیروهای مسلح قومی - مذهبی و وابسته به دولتهای ارتجاعی منطقه - مانند مورد سوریه - جلو گیری کند. این وظیفه ای است که در برابر حزب ما و هر نیروی کمونیست انقلابی در ایران قرار گرفته است.

اما چگونه این امر امکانپذیر است؟ چطور میتوان در برابر جمهوری اسلامی و ارتجاع جهانی و قدرتهای ارتجاعی منطقه ایستاد و انقلاب را به پیروزی رساند؟ بعبارت دیگر پذیرش ضرورت دخالتگری و ایفای نقش فعال نیروی رهبری کننده این سؤال مشخص را در برابر ما قرار میدهد که مضمون این نقش و دخالتگری چیست؟ آیا تاکید بیشتر بر ضرورت و مطلوبیت و امکانپذیری انقلاب بعنوان تنها راه رهائی توده مردم مد نظر است؟ آیا منظور تبلیغ و ترویج انقلاب و افشای نیروهای رنگارنگ ضد انقلاب و طرحها و نقشه ها و

سال ۹۲ و جنگ بر سر میزان حداقل دستمزدها

شهلا دانشفر

شورای عالی کار جمهوری اسلامی دستمزد کارگران را ۴۸۷ هزار تومان یعنی چندین برابر زیر خط فقر اعلام کرد و اسم این تصمیم جنایتکارانه اش را هم افزایش ۲۵ درصدی دستمزدها نامید. اکنون هنوز يك ماه از این تصمیم بیش‌مانه شان نگذشته است که مرکز آمار جمهوری اسلامی، ارقام جدیدی از نرخ تورم را رو کرده و دارند از این سخن میگویند که میزان حداقل دستمزد تعیین شده شش و نیم درصد از "نرخ تورم واقعی" کمتر محاسبه شده است. از جمله به گزارش مرکز آمار جمهوری اسلامی میزان نرخ تورم در اسفند ۹۱ از ۴۰ درصد گذشته و میگویند مواد غذایی بیش از ۵۷ درصد گران تر شده است و در چشم انداز از تورم ۶۰ تا ۷۰ درصد سخن میگویند.

روشن است که آمار و ارقامی که از سوی رژیم بر سر نرخ تورم، خط فقر، سبد هزینه کارگر و غیره داده میشود، هیچ ربطی به سطح واقعیت قیمت‌ها و ابعاد تکانه‌دهنده فقر و فلاکتی که امروز در جامعه و بر زندگی و معیشت کارگران حاکم است، ندارد. چنین آمار و ارقامی همانطور که بارها اشاره کرده ایم برای جمهوری اسلامی و در واقع برای تمام دول سرمایه داری حاکم مصرف سیاسی روز دارد. خصوصا در جایی چون ایران که هیچگونه نظارتی از سوی نمایندگان منتخب خود کارگران بر آمار رسمی دولتی از نرخ تورم و تناسبش با سطح دستمزدها وجود ندارد، هر ساله يك مشت دزد میلیاردی تحت عنوان شورالعالی کار و بازی مسخره سه جانبه نگریشان، می نشینند و بر سر نرخ نیروی کار کارگر گمانه زنی میکنند. در عین حال چون ظاهرا و البته زیر فشار اعتراضات کارگران قرار است نرخ دستمزد کارگر،

متناسب با نرخ تورم باشد، تا هر کجا که تیغشان ببرد، نرخ تورم را پایین اعلام میکنند، تا کمترین مزد نصیب کارگر شود. نتیجه اش نیز چیزی جز دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر برای کارگران نیست. ولی این جانباختن آنجا که خود را زیر فشار اعتراضات کارگران و کل جامعه در محاصه می بینند و از ترس شعله ور شدن اعتراضات مردم، به جان یکدیگر می افتند و رقم‌هایی نزدیکتر به سطح واقعی آمار خط فقر و میزان تورم اعلام کنند و طرف مقابل را در برابر موج اعتراضی که جامعه را در بر گرفته است، مقصر قلمداد نمایند. از جمله در همین مدت ما با ارقام متفاوتی از نرخ خط فقر و میزان تورم از جانب این جنابان روبرو شدیم و حتی در اظهاراتشان از مبلغ يك میلیون و هشتصد هزار تومان بعنوان نرخ خط فقر سخن گفتند که هر چند پائینتر از میزان واقعی خط فقر است، اما تفاوت فاحش آن با حداقل دستمزد اعلام شده، ابعاد فاجعه بار زندگی کارگران و بخش عظیمی از مردم ایران را نشان می دهد.

طبعا در میان همه این کشاکش‌ها آنچه‌چیزی که در گفته های همه مقامات حکومتی از هر دار و دسته شان مشترک است، بحث بر سر خط فقر است. زیرا همگی بر سر نگاهداشتن توقع و انتظار کارگر و کل جامعه در سطح خط فقر و به تباهی کشیدن زندگی و معیشت میلیونها مردم هم قول و هم کلامند. بدین ترتیب با وجود میلیاردها درآمد نفت و دیگر ثروت های جامعه که بنا بر آمارهایشان تنها در طول دو دوره حکومت احمدی نژاد ۵۷۸ میلیارد دلار بوده است، سهم کارگر چیزی جز کشیدن بار بحران اقتصادی حکومت و فقر و فلاکت بیشتر نیست.

اما سوال اینجاست که چرا امروز و با چنین سرعتی آنها هم از سوی مراجعی چون مرکز آمار رژیم

بحث بر سر پایین تر بودن سطح حداقل دستمزدها از نرخ تورم موجود، به میان کشیده میشود؟ مساله به روشنی بر سر فشار سنگین اعتراضات گسترده در سطح جامعه علیه تصمیم جنایتکارانه رژیم مبنی بر تعیین ۴۸۷ هزار تومان و خواست فوری افزایش دستمزدها است. این بازی را دو سال است رژیم اسلامی در پیش گرفته است. به این معنی که سطح حداقل دستمزد را اعلام میکنند، اما بلافاصله با جلو انداختن ارقام جدیدی از نرخ تورم و سبد هزینه زندگی و غیره بحث بر سر افزایش دستمزدها را باز نگاه میدارد تا هر گاه هوا را پس دید قدرت مانور داشته باشد. خصوصا امسال که اوضاع کاملا متفاوت و به قول خودشان اضطراری است، خیلی زودتر دست به کار این بازی شده اند. واقعیت اینست که هیچگاه جنبش اعتراضی بر سرخواست افزایش دستمزدها چنین گسترده و سازمانیافته نبوده است. ما سالی پر جنب و جوش بر سرخواست افزایش دستمزدها را پشت سر گذاشتیم. سی هزار کارگر بر سر این خواست در بیش از هشت استان جمع شدند و اعتراض خود را علیه فقر و گرانی اعلام داشتند. حرکتی که به ابتکار اتحادیه آزاد کارگران ایران در اول مه سال گذشته آغاز شد و تا انتهای سال جریان داشت. همچنین کارگران سندیکای شرکت واحد طومار جمع کردند و در آن خواستار افزایش فوری دستمزدها شدند. و نیز بدنبال اعلام تصمیم دولت مبنی بر ۴۸۷ هزار تومان حداقل دستمزد برای سال ۹۲، تشکلهای مختلف کارگری از جمله اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه با بیانیه‌هایی اعتراضی خود اعلام داشتند که زیر بار این تصمیم و دستمزدهای زیر خط فقر نخواهند رفت و حق خود دانستند که به هر

شکلی که میتوانند اعتراضاتشان را بر سر این موضوع ادامه دهند. جمهوری اسلامی میداند که فقر و گرانی و اعتراض به سطح نازل دستمزدها مساله تنها کارگران نیست، بلکه موضوع اعتراض کل مردم است. میداند که چنین اعتراضاتی قدرت بسیج وسیع اجتماعی دارد. ترس از "شورش گرسنگان" به کابوس هر روزه رژیم اسلامی تبدیل شده است. اکنون رژیم اسلامی میکوشد خود را برای این مقابله آماده کند.

به عبارت روشنتر در شرایطی که اقتصاد جامعه در هم فرو ریخته و زیر بار فقر و فلاکت جامعه به مرز انفجار رسیده است. در شرایطی که کارگران با اعتراضاتشان بر سر خواست افزایش دستمزدها و علیه فقر و گرانی در واقع پرچمدار خواست و اعتراض کل جامعه اند. جمهوری اسلامی وحشت زده و در عین حال دست به عصا شده است. در همین راستا است که مرکز آمار رژیم نیز با گفتمان پایین تر بودن شش و نیم درصدی میزان حداقل دستمزد تعیین شده نسبت به نرخ تورم وارد شده، تا اگر اوضاع به وخامت بیشتری کشید، راهی برای عقب نشینی هر چند ناچیز برای خود باز کرده باشند.

در برابر همه این دست و پا زدن های رژیم، حرف کارگران روشن است. کارگران به دستمزد ۴۸۷ هزار تومان و یا کشیدن چندرقازی چون شش و نیم درصد به این دستمزد چندین برابر زیر خط فقر تن نخواهند داد. کارگران خواهان افزایش دستمزد در سطح نرخ واقعی قیمت ها و يك زندگی انسانی هستند. از جمله تشکلهای کارگری نظیر اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام کرده است که در قدم اول دستمزد کارگران حداقل باید يك میلیون و پانصد هزار تومان باشد. کارگران خواهان پس گرفتن این تصمیم از سوی دولت و تعیین میزان حداقل دستمزدها با دخالت نمایندگان منتخب مجامع عمومی شان شده اند.

همه این گفتمان‌ها حکایت از این دارد که با آغاز سال جدید ما در شروع جنگی وسیع و گسترده بین کارگران و کل مردم با رژیم اسلامی بر سر خواست افزایش دستمزدها و علیه فقر و گرانی هستیم. بویژه اینکه بیش از یکماه به اول مه روز جهانی کارگر نمانده است. روزی که همه این اعتراضات را میتواند در خود جمع کند و به يك حرکت اعتراضی عظیم و اجتماعی علیه فقر و فلاکت و با خواست افزایش فوری دستمزدها تبدیل شود. از همین روست که باید خود را برای چنین روزی آماده کنیم. با صفی متحد و سراسری به استقبال این روز برویم. اول مه را به يك روز تعطیل سراسری و اعتراض در خیابان و در کارخانه و در همه جا علیه فقر و فلاکت و با خواست افزایش فوری دستمزدها تبدیل کنیم. نه تنها کارگران بلکه کل جامعه را به اعتراض گسترده در این روز مهم بسیج کنیم.

خلاصه کلام اینکه همه شواهد حکایت از احتمال رودرویی گسترده کارگران و کل جامعه علیه رژیم اسلامی و جهمی است که بر کرده توده های میلیونی مردم حاکم کرده است. يك محور مهم این جنگ، مساله معیشت و زندگی کارگران و کل جامعه است. يك روز مهم از چنین نبردی اول مه روز جهانی کارگر است. و شعار نان، آزادی، کرامت انسانی، میتواند شعار متحد کننده مبارزات همه کارگران و کل جامعه باشد.

اول مه میتواند روز بزرگ قدرتمانی کارگران پیشاپیش کل جامعه علیه رژیم اسلامی و جهمی باشد که بر کرده میلیونها مردم تحمیل کرده است. با چنین قدرتمانی است که همچنین میتواند هر گونه تکاپویی از سوی جریانات بورژوازی برای زد و بند از بالا و آلترناتیو سازی در برابر انقلاب مردم را کنار زد و راه‌هایی را در مقابل کل جامعه قرار داد. برای اول مه روز جهانی کارگر آماده شویم.*

چرا یک روز بین المللی در دفاع از آمینا لازم است؟

مصاحبه با مریم نمازی



برگرفته شده از مصاحبه مریم نمازی با چند نشریه مختلف، بخش بیشتر این مصاحبه با مجله لیبراسیون پاریس انجام شده. متن انگلیسی این مصاحبه در سایت مریم نمازی موجود است. با تشکر از سهیلا شریفی که این مصاحبه را برای انترناسیونال ترجمه کرده است.

وقتی شنیدم که یک دختر ۱۹ ساله تونس بخاطر اینکه روی بالاتنه برهنه خود نوشته "بدن من متعلق به خودم است و ناموس کسی نیست"، تهدید به مرگ شده می دانستم که باید سریعاً کاری بکنیم. در عرض ۲۴ ساعت افراد سرشناس و گروههای متعددی به ما ملحق شدند تا با هم فراخوان یک روز بین المللی در دفاع از آمینا را اعلام کنیم. روز ۴ آوریل بعنوان روز جهانی دفاع از آمینا اعلام شد که هم آزادی و امنیت این زن جوان مطالبه شود و هم پیگرد قانونی کسی که حکم مرگ او را صادر کرده است، مطرح گردد. با وجود اینکه آمینا کار خلافی انجام نداده است، پلیس به خانواده او کمک کرد تا او را در خانه ای محبوس کنند و هرگونه تماسی با دوستان و گروه فمن را برای او ممنوع کردند. در حقیقت

پلیس می بایست بجای اینکار به پیگرد کسانی دست می زد که او را زندانی و تهدید کرده بودند. او همچنان در آن خانه محبوس است و روز دوشنبه سر کلاس درسش حاضر نشد. آمینا در حالیکه هنوز هم زندانی است در تنها مصاحبه اش با یک ژورنالیست گفته است که نگران است ولی هیچ پشیمان نیست. در آخرین مصاحبه ای که قبل از ربوده شدنش انجام داده نیز گفته است که زنان تونس آماده تغییر هستند. "زنان به جایی رسیده اند که خودشان می خواهند سرنوشت خود را تعیین کنند و دیگر حاضر نیستند از هیچ اتوریته ای چه خانوادگی و چه مذهبی پیروی کنند. ما می دانیم چه می خواهیم و خودمان تصمیم می گیریم".

اینها حرفهای این زن فوق العاده است که ما در روز ۴ آوریل در کنارش می ایستیم و از او دفاع می کنیم. از جمله کسانی که فراخوان را امضا کرده اند می توان از افراد زیر اسم برد:

علیا مقدی المهدی، انقلابی مصری که عکسهای برهنه خود را روی سایتها گذاشت؛ کارولاین فورست، نویسنده، ژورنالیست، آخرین فیلم او "پستانهای ما: سلاح ما"؛ دارینا الجوندی، هنرپیشه لبنانی و نویسنده کتاب "روزی که نینا سیمون از خواندن باز ایستاد"؛ دیا، موزیسین و فیلمساز، آخرین فیلم او "بناز، یک داستان عشقی" در مورد قتل ناموسی؛ الیا تابش، زنان ایرانی در دفاع از

تقویم انقلابیون برهنه و عضو علیه تبعیض سازمان دفاع از حقوق زنان در ایران؛ اینا شوچنکو، سخنگوی فمن، عضو کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه سنگسار؛ کریم آمر، بلاگر مصری؛ کیان آذر، سازمان جوانان کمونیست؛ مریم هلی لوکاس، جامعه شناس الجزایری و بنیانگذار نهاد "سکولاریسم مسئله زنان است"؛ مینا احدی، سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه سنگسار؛ نادیا ال فانی، فیلمساز تونس، آخرین فیلم او "نه الله نه ارباب" و "پستانهای ما سلاح ما" ریچارد داوکینز، دانشمند؛ سافیه لبدی، یکی از بنیانگذاران "نه تن فروش نه مطیع" و "سکولاریسم مسئله زنان است"؛ تسلیمه نسیرین، نویسنده بنگلادشی؛ آیا اسلام و برهنگی کاملاً با هم ناسازگار هستند؟ آیا شما میتوانید زمانی را تصور کنید که زنان در شمال آفریقا و خاورمیانه آزادتر باشند که بتوانند بدنهای خود را نشان دهند؟ کاری را که آمینا در کشوری مانند تونس کرده چگونه می بینید؟ آیا نباید بیشتر محتاط می بود؟ آیا فکر می کنید کاری که او انجام داده درست بود؟ همه مذاهب در مورد بدن زنان افکار تخریب کننده دارند و اسلام هم استثنا نیست. از نظر اسلام بهترین زن آن است که پنهان باشد.

اسلام از این نظر از مذاهب دیگر بدتر است که به قدرت سیاسی از طریق جنبش اسلامی دسترسی دارد و دولتهای اسلامی و قوانین شریعه زن ستیزی را قانونی کرده و افکار ارتجاعی علیه زنان رواج می دهند. زنان در آفریقای شمالی و خاورمیانه زمانی آزادتر خواهند بود وقتی که اسلام از انظار عمومی به عقب رانده شده و به امر شخصی افراد تبدیل شود. کارهایی مانند آنچه آمینا انجام داده به شکستن تابوها کمک می کند و اسلام سیاسی را دقیقاً از بیخ و بن مورد حمله قرار می دهد. حساسیت شدید اسلام به بدن زنان و اصرار آن برای پوشاندن زنان برهنگی را تابو شکن کرده و باعث شده این نوع حرکات به نوعی مبارزه و مقاومت تبدیل شود. برهنگی آنتی تز حجاب است و با وجود اینکه تنها روش مبارزه با حجاب نیست اما روشی مدرن در مقابله با آن است. اسلام سیاسی می خواهد که ما خودمان را پوشانیم، مخفی شویم، دیده نشویم و شنیده نشویم و ما از پیروی از این اوامر سرپیچی می کنیم.

اما برهنگی فقط اعتراض علیه اسلام سیاسی و زن ستیزی مذهبی نیست، بلکه اساساً اعتراض به تبعیض و کالا کردن بدن زنان است که مذاهب و فرهنگهای مردسالار بر اساس آن شکل گرفته اند. به همین دلیل است که این شکل مبارزه در حال رشد است و به بخشی از جنبش آزادی زن تبدیل شده است.

کالائی کردن بدن زنان از واقعیت بدن زنان و زندگی و افکار آنها کاملاً مجزی می باشد. از این تصویر استفاده می شود که زنان را مورد کنترل قرار داده و آنها را سرکوب کنند. و این چیزی است که بین مذهب و پورنوگرافی مشترک است، (البته در اشکال مختلف). واقعیت و سرراستی بدن زنان بعنوان یک نوع اعتراض عمیقاً انسانی و انقلابی دیدگاههای مذهبی و پورنوگرافیک را به چالش می کشد و ابزاری را که برای سرکوب زنان از آن استفاده می شود را پس می گیرد. بخاطر همین چالش است که برهنگی زنان موجب خشم بعضی ها شده. این حرکت تابوشکن حرکتی بسیار پیشرو و رو به جلو است چرا که معمولاً پیشرفت در نتیجه توهین به اعتقادات عمیق مذهبی و ضد زن حاصل میشود.

در حالیکه اسلام سیاسی و جریانات اسلامی نماینده و صدای ارتجاع و بربریت هستند، آمینا و افرادی مانند او بیشترین تهدید در مقابل این جریانات ارتجاعی محسوب شده و مدرنیسم و انسانیت و برابری زن و مرد را نمایندگی می کنند. به همین دلیل است که آمینا ما را نمایندگی می کند.

فمن از آمینا و علیا المهدی حمایت می کند اما بعضیها معتقدند اعتراض عریان ایده ای غربی است که بدرد ایده آلهای غربی می خورد و ربطی به دنیا اسلام ندارد. شما چه فکر می کنید؟

این حرف مرا یاد یکی از شعارهای زنان در ایران می اندازد که بعد از انقلاب ۵۷ و فتوای حجاب توسط خمینی علیه حجاب اجباری اعتراض می کردند. آنها می گفتند "حقوق زن نه شرقی نه غربی، جهانی است". برای من همیشه جالب بوده که جریانات اسلامی حاضرند برای کشتن و به تمکین کشاندن مردم از آخرین پشرفتهای تکنولوژی استفاده کنند اما وقتی صحبت از حقوق زن ادامه صفحه ۶

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

ملاقات یک هیئت با سرکنسول تونس در شهر بن آلمان

هشام المزروقی سر کنسول تونس در آلمان و برادر رییس جمهور تونس، میگوید دولت تونس صدای اعتراضات بین المللی را شنیده است!

گزارش از احمد رحمانی

روز پنجشنبه ۴ ماه آوریل در اعتراض به فتوای یک آخوند بر علیه آمینا یک دختر جوان تونسی و در دفاع از آمینا، اعتراضات گسترده بین المللی بر پا شد. در شهر بن آلمان یک هیئت شامل نسان نودینیان، احمد رحمانی و مینا احدی با سرکنسول تونس هشام المزروقی برادر رئیس جمهور تونس و یک هیئت چهار نفره دیگر شامل دو زن و دو مرد از اعضای کنسولگری تونس ملاقات و گفتگو کردند.

در این نشست که حدود نیم ساعت ادامه داشت، بحثهای تند و مفصلی در مورد موقعیت زنان در تونس و نقش جنبش اسلامی و دست اندازی سازمانهای اسلامی به زندگی زنان و همچنین در مورد آمینا و ضرورت آزادی آمینا و ادامه تحصیل و زندگی عادی او شد. المزروقی سر کنسول حکومت تونس گفت: که در تونس زنان از همه حقوق انسانی خود برخوردارند و در آنجا یک آخوند اسلامی فتوایی داده که اصلا نه ارزش اجرایی دارد و نه زمینه اجرا شدن دارد. او گفت همانطور که در آلمان نازیها هنوز هم هستند در تونس هم آخوندهایی هستند که فتوا میدهند و دنیا نباید نگران این وضع باشد. او در عین حال حرکت و آکسیون آمینا را تقبیح میکرد و میگفت او مثل عروسک امپریالیستها رفتار میکند و این تعرضی است به تونس که در دنیا اعتراضات جهانی در دفاع از آمینا برپا شده است.

مینا احدی در پاسخ به المزروقی گفت، حمله به زنان و تعرض به حقوق آنها از سوی

جنبش اسلامی همیشه با همین توضیحات و حملات شروع میشود آمینا یک دختر جوان است و او حق دارد هر نوع که میخواهد خود را بیان کند و اعتراض خود را علیه قوانین و سنتها و فرهنگ ضد زن اسلامی بیان کند. ما اینجا آمده ایم بگوییم که دنیا با دقت موقعیت زنان و مردم تونس را پیگیری میکند و هر نوع

زنان و مردم تعرض کند. المزروقی در پایان گفت: آمینا وکیل دارد و در خانه خود در امنیت است فقط ایزوله شده است تا سر و صداها بخوابد او گفت دولت تونس در جریان اعتراضات بین المللی ۴ آوریل است و به همه اطمینان خاطر میدهد که تونس ایران نیست و زنان تونس از همه حقوق برخوردارند. در این نشست

اولتیماتوم به دولت تونس و اعتراض عریان در مقابل مسجد مرکزی استکهلم... در شهر استکهلم نیز سازمان جوانان کمونیست (سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران) در مقابل سفارت تونس در حمایت از آمینا اعتراض سازمان داده بود که با استقبال وسیعی مواجه شد. این آکسیون که بهمراه سازمان



عکسی از هیئت ملاقات کننده (مینا احدی، نسان نودینیان و احمد رحمانی)

با گابی اشمیت و ادوارد فون روی امضا کنندگان نامه سرگشاده به دولت تونس در مقابل کنسولگری تونس در شهر بن آلمان

تعرض اسلامیها و یا دولت تونس را به حقوق زنان و حق آمینا و آمیناها را با اعتراض و همبستگی جهانی با زنان پاسخ خواهد داد.

نسان نودینیان در این نشست گفت: ما از ایران هستیم و تجربه سی و چهار سال حکومت اسلامی را داریم و میخواهیم خطاب به زنان و مردم تونس بگوییم که باید از این تجارب درس بیاموزند و نگذارند جنبش اسلامی به حقوق

در عین حال دو زن از کارکنان کنسولگری تونس حضور داشتند که میگفتند ما زنان نمیگذاریم در تونس به حقوق امان تعرض کنند و فعالانه در بحثها حضور داشتند.

این ملاقات در چهارچوب کمپین جهانی در دفاع از آمینا بود و سپس نامه سرگشاده با امضا مریم نمازی، نازنین برومند، گابی اشمیت، ادوارد فون روی و مینا احدی به مقامات کنسولگری تونس داده شد.

علیه تبعیض و کمیته بین المللی علیه اعدام انجام شد هیئتی متشکل از این سه سازمان با

سفیر تونس ملاقاتی داشته و نامه سرگشاده ای را تحویل دولت تونس داده و خواهان آزادی فوری آمینا و تامین امنیت او و همچنین برخورد و مجازات با فتوا دهندگان و تهدیدکنندگان آمینا شدند و دولت تونس را مسئول جان و امنیت آمینا دانستند. رادیو، تلویزیون و مدیای سوئدی و نیز مدیای بین المللی نیز در محل حضور پیدا کرده و با مسئولین برگزاری این آکسیون اعتراضی، مصاحبه داشتند. معترضین با سر دادن شعارهای "شما مسئول جان آمینا هستید" و "آزادی، برابری"، "میجنگیم و موفق می شویم" و "زنان کل دنیا و بخصوص زنان در ایران، افغانستان، پاکستان، عراق و کل خاورمیانه و شمال آفریقا باید از بردگی جنسی تحت ستم مردسالاری، مذهب و سیستم کنونی رها شوند"، آکسیون اعتراضی را پیش بردند. بموازات یکی از فعالین حقوق زنان سوئد در حمایت از آمینا در مقابل سفارت تونس اعتراض عریان کرد و بدینوسیله اعتراض خود را نسبت به اسلامیها و دولت تونس اعلام کرد.

در ادامه این روز اعتراضی، فعالین سازمان جوانان کمونیست در مقابل مسجد مرکزی استکهلم دست به اعتراض عریان زدند.*

International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)
International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

این عکسها تاریخی هستند! فریاد خشم و انزجار میلیونها زن علیه پرچم و بیرقی که با آن کشتند و زدند و سنگسار زدند!

کشفات اسلامی به دنیا نشان میدهند که پاسخ را جنبش اسلامی از ما زنان گرفت. در دوران جنبش ۹۹ در صدیها و در دوره شکوفایی جنبش برابری طلبانه زنان در دنیا، در دوره بهار عربی و دوران انقلابات و سقوط دیکتاتورها، با مبارزات بین المللی خودمان، مهر باطل بر اسلام سیاسی و جنبش اسلامی میزنیم. این عکسها تاریخی هستند و همه جا باید وسیعاً پخش شوند.

روز ۳ آوریل در پاریس چند زن به استقبال ۴ آوریل رفتند. یکی از اینها مریم از تونس است. اینها با شجاعت و درایت پرچمی را به آتش کشیدند که برای ما تداعی کننده اعدام و سنگسار و شلاق و زن ستیزی و انسان ستیزی است.

<http://freethoughtblogs.com/maryamnamazie/>

www.femen.org
www.rowzane.com

استکھلم، تا ریو دوژانیرو و از کیف تا تونس، به خیابان میرویم و با صدای بلند اعلام میکنیم که دیگر نمیگذاریم مشتی سادست اسلامی جنایت کنند و با وقاحت و عربده کشی و تهدید به ترور حق سکوت بگیرند.

دیگر دوران قدر قدرتی جنبش اسلامی گذشته است و زنان که قربانیان اصلی این جنبش بودند بپا خاسته و میخ آخر را بر تابوت جنبش اسلامی میزنند.

روز ۳ آوریل در پاریس چند زن به استقبال ۴ آوریل رفتند. یکی از اینها مریم از تونس است. اینها با شجاعت و درایت پرچمی را به آتش کشیدند که برای ما تداعی کننده اعدام و سنگسار و شلاق و زن ستیزی و انسان ستیزی است.

اگر دنیا و مردم آزاده در سراسر جهان در دورانی مرعوب این جنبش و این پرچم شده بودند، امروز با آتش زدن این سمبل



شرکت کنند که در سر لوحه آن نوشته شده، نه به جنبش اسلامی، نه به دخالت اسلام و مذهب در زندگی زنان و همه مردم! امروز از برلین تا ونکوور، از

دفاع کرد! امروز چهار آوریل ۲۰۱۳ است. در سراسر جهان زنان و مردان آزاده آماده میشوند تا در میتینگها و حرکات اعتراضی

پرچم جنبش اسلامی به دست زنان شجاع و آزاده در مقابل یک مسجد در پاریس به آتش کشیده شد! مریم یک دختر آزاده تونسی در این حرکت مهم بود و از آمینا چنین

چرا یک روز بین المللی در دفاع از آمینا لازم است؟

لینک زیر مراجعه کنید:
<http://freethoughtblogs.com/maryamna-mazie/2013/03/24/lets-breast-them/>

آخوند عادل عالمی خواهان شلاق زدن و سنگسار آمینا شده و گفته است که اقدام آمینا موجب بدبختی میشود و "فاجعه و اپیدمی به بار می آورد و می تواند واگیر باشد و به زنان دیگر هم سرایت کند". در روز ۴ آوریل ما به او و جریانات اسلامی و همه دنیا یادآوری می کنیم که اپیدمی و فاجعه واقعی که باید ریشه کن شود زن ستیزی چه از نوع اسلامی و یا غیر آن است.

۴ آوریل پستانها علیه اسلام سیاسی!

زنده باد آمینا!

می توانید کمی بیشتر در مورد ۴ آوریل روز جهانی دفاع از آمینا به ما بگوئید؟ امیدوار هستیم دیگران با ملحق شدنشان به این حرکت باعث چه تغییری شوند؟ مردم زیادی تا همین الان به ما ملحق شده اند. عکسهای برهنه خیلی ها تا همینجا در دفاع از آمینا منتشر شده است، طومار حمایتی تاکنون توسط ۱۰۶۰۰۰ نفر امضا شده است و سازمانها و افراد در حال سازماندهی حرکتهای اعتراضی ۴ آوریل هستند. کارهای بسیار دیگری هم از جمله در آلمان و سوئد و نروژ و فرانسه و انگلیس و جاهای دیگر سازمان داده شده. برای دیدن لیست اقدامات می توانید به

سیاسی و اجتماعی هر کشوری مردم همه جا می خواهند مانند انسان قرن بیست و یکم زندگی کنند نه مانند بشر قرون وسطی. جنبش اسلام سیاسی عرصه قدرت و اجتماع را به آرامی خالی نخواهد کرد، اما جنبش آزادی زن آن چیزی است که اینها را سر جای خودشان می نشانند. البته سرنوشت هیچ جنگی از پیش معلوم نیست. همه چیز بستگی به اراده و دخالت انسان دارد. در نتیجه همبستگی جهانی مردم می تواند تاثیر مستقیمی بر سرنوشت انسانها داشته باشد. در قدم اول امیدوارم این همبستگی باعث آزادی آمینا و در نهایت کمکی باشد برای آزاد شدن دنیای ما.

دارید؟ بعد از این ماجرا و با در نظر گرفتن شرایط سیاسی و اجتماعی کنونی این کشور فکر می کنید آنها باید چکار کنند؟ من فکر می کنم موج بر علیه اسلام سیاسی برگشته است. انقلابات منطقه و اعتراضات زنان در بسیاری از این مناطق پیام آور پایان یکه تازی جریانات اسلامی است. زنان تونس و همه زنان و مردان در همه جای دنیا باید از آمینا و آزادی و برابری واقعی دفاع کنند. همانطور که کارولاین فورست نویسنده مشهور می گوید فراخوان آزادی آمینا در واقع همان فراخوان آزادی تونس است. هیچ کشوری بدون آزادی زنان آزاد نخواهد بود. صرفنظر از شرایط

از صفحه ۴ میشود فوری ادعا میشود که حق زن یک پدیده غربی است. بعلاوه چیزی به اسم "دنیای اسلام" وجود ندارد. اعتقادات متفاوت در تونس وجود دارد همانطور که در فرانسه و انگلستان و غیره هم دیدگاهها و اعتقادات متفاوتی وجود دارند. آمینا یک دیدگاه مشخص را نمایندگی می کند و جریانات اسلامی دیدگاهی کاملاً متفاوت را. آمینا از حمایت زیادی برخوردار است نه فقط در غرب بلکه در خود تونس و ایران و جاهای دیگر هم. مبارزه او مبارزه ما هم هست. آیا توصیه ای برای زنان تونس

تعیین بخشی به انقلاب

از صفحه ۲

و شکلگیری انقلاب را باید فرض گرفت. مساله چگونگی پیشروی و به پیروزی رساندن انقلاب است و این امری است که امروز در محور وظایف حزبی مثل حزب ما که در تمام دوران سیاه یکه تازی نیروها و دولتهای تروریستی، بر ضرورت و مطلوبیت انقلاب بعنوان تنها راه عملی و انسانی رهائی جامعه تاکید کرده است، قرار میگیرد. امروز محور کار ما ایجاد زمینه ها و شرایط مطلوب برای شکلگیری و پیشروی و به پیروزی رسیدن انقلاب است و این امری تماما پراتیک، عملی و اجتماعی است. باید جامعه را در عرصه های مختلف مبارزه و اعتراض برای شکل دادن به يك انقلاب قدرتمند و پیروز آماده کرد و این مشخصا ما را به بحث "تعیین بخشی به انقلاب" میرساند.

رهبری و امر تعیین بخشی به انقلاب

گفتیم که فقدان رهبری نقطه ضعف اساسی انقلابات منطقه است اما این هنوز يك مشاهده کلی و عام است که تنها میتواند اصل عمومی "انقلاب بدون رهبری انقلابی پیروزمیشود" را تداعی

سناریوهای آنانست؟ آیا باید فراخوان دادن به اعتصابات و تظاهرات و یا اتحاد و تشکل برای سرنگونی رژیم را محور قرار داد؟ اینها بی تردید جنبه هائی از کار و فعالیت ما را تشکیل میدهد اما مساله بویژه در شرایط امروز و بعد انقلابات منطقه، بسیار از این سطح فراتر میرود. در دوره بیست ساله پسا جنگ سرد که همه از انقلاب رویگردان شده بودند، پایان عصر انقلابات و حتی مباره طبقاتی و تاریخ را اعلام کرده بودند و انقلابات مخلصلی و سناریوهای رژیم چنجی و بحران آفرینی در مرزها بازار داغی داشت، تاکید بر ضرورت و مطلوبیت و امکانپذیری انقلاب جایگاه ویژه ای داشت - و يك رکن فعالیتهاى حزب ما در آن دوره همین بود- اما امروز بدنبال انقلابات منطقه خود واقعیات از انقلاب اعاده حیثیت کرده و آنرا به صدر اخبار و به محور افکار و گفتمان عمومی مردم رانده است. امروز دیگر در جامعه ای مثل ایران سؤال محوری "انقلاب یا استحاله" نیست. مطلوبیت انقلاب

در صحنه مبارزه و از طریق پراتیک اجتماعی است که حزب میتواند به قدرت قابل اتکا و اعتماد توده های مردم تبدیل بشود، میتواند در صف مقدم اعتراضات و مبارزات مردم ظاهر گردد، چشم انداز سوسیالیستی طبقه کارگر را در برابر توده مردم انقلابی قرار دهد و بعنوان تجلی و مدافع و نماینده اعمال اراده مستقیم مردم در اداره امور جامعه و نیروی شکل دهنده دولت نوع شورائی در جامعه شناخته شود.

ثقل و نقش اجتماعی طبقه کارگر، هم از نقطه نظر سیاسی و در مبارزه برای خلع ید از طبقه بورژوازی و رهائی کل جامعه از نظام سرمایه داری، و هم از نقطه نظر قدرت اجتماعی طبقه کارگر در اشکال و شیوه های مبارزه و فلج کردن کل نظم سرمایه، دارای جایگاه برجسته و تعیین کننده ای در انقلابت عصر ما است.

نماد و سمبل - یا عمود خیمه! - کل حکومت تبدیل میشود و بالطبع مبارزه علیه کل نظام و وضع موجود، مبارزه برای آزادی و رفاه و برابری، یا از زبان انقلاب مصر مبارزه برای "نان و آزادی و کرامت انسانی"، خود را در شعار مرگ بر دیکتاتور و بزیر کشیدن آن متجلی میکنند. اما اگر این مبارزه با دیکتاتوری عمیق نشود و معنای مشخص سیاسی و اجتماعی آن در عرصه های مختلف مسکوت و مبهم بماند آنوقت این يك نقطه ضعف اساسی و پاشنه آشیل انقلاب خواهد بود. مخالفت با دیکتاتور و شعار سرنگونی دیکتاتور باید به نفی و نقد نظام دیکتاتوری در همه عرصه ها ترجمه بشود و تعیین پیدا کند. در انقلابات تونس و مصر و لیبی این مبهم و ناروشن ماندن خواستههای ضد دیکتاتوری و محدود ماندن به سرنگونی دیکتاتور، نقطه ضعفی بود که به نیروهای ارتجاعی بومی و بین المللی اجازه داد بعد از سرنگونی دیکتاتورها کنترل اوضاع را بدست بگیرند.

زمینه ها و پایه های اجتماعی این نقطه ضعف در کشورهای منطقه اختناق کامل و يك فضای ساکن و مختنق شبیه به گورستان آریامهری در ایران بود که بمدت چندین دهه جامعه را به محاق کشیده بود. در ایران،

ادامه صفحه ۸

رادیکال تر و قدرتمند تر و گسترده تر و در مقابل سرکوبگری های قدرت حاکمه و مانورها و دخالتگری های نیروهای رنگارنگ ضد انقلاب، مصون تر و ایمن تر میسازد. مجموعه این فعالیتها را میتوان مشخصا در چند مولفه زیر خلاصه کرد: توده گیر شدن خواستها و توقعات رادیکال روشن و مشخص؛ حضور فعال چهره ها، نهادها، کمپینها و جنبشهای اعتراضی؛ برجستگی نقش و ثقل جنبش کارگری و اعتصابات و شیوه های مبارزاتی طبقه کارگر در جامعه و در محور مبارزات توده ای مردم؛ فعالیت بین المللی در دفاع از انقلاب و بسیج حمایت جهانی از انقلاب و بالاخره وجود و عروج يك حزب یا نیروی سیاسی انقلابی بعنوان آلترناتیو قابل اعتماد و اتکای مردم برای جانشینی حکومتی که انقلاب علیه آن شکل گرفته است.

۱- توده گیر شدن خواستها و انتظارات رادیکال و مشخص

فقدان رهبری در انقلابات منطقه قبل از هر چیز در مبهم و نامشخص بودن نقد و اعتراض مردم به وضع موجود و خواستها، انتظارات و توقعات آنان خود را نشان میدهد. نقطه قوت این انقلابها این بود که علیه دیکتاتور ب میدان آمدند و به کمتر از رفتن دیکتاتور رضایت ندادند. روشن است که در جوامعی مثل مصر و تونس - و ایران امروز- يك فرد به

کند. برای فراتر رفتن از اصول کلی باید این سؤال مشخص را در برابر خود قرار بدهیم که اگر انقلاب مصر و یا تونس و یا لیبی از رهبری انقلابی برخوردار میبود مشخصا چه خصوصیتی میداشت که امروز از آنها محروم است؟ بعبارت دیگر وجود و حضور رهبری انقلابی مشخصا در چه عرصه ها و جنبه هائی بروز پیدا میکرد؟ و مهمتر از همه چطور میتوانست از دخالتگریهای و فعالیتهای نیروهای ضد انقلاب - در مقابل خود و در درون صفوف خود- جلوگیری کند و به پیروزی برسد؟

روشن است که حضور و وجود رهبری قبل از هر چیز در در خود جامعه، در مضمون و خصلت حرکتهاى اعتراضی، در ویژگیهای حرکت و خیزش انقلابی خود را نشان میدهد، همانطور که در يك ارتش حضور و فعالیت ستاد رهبری در خصوصیات آن ارتش - نظم و دیسیپلین و قدرت لجستیکی و رزمی و غیره - بروز پیدا میکند. اما ویژگیها و نقاط قوت انقلاب، بر خلاف ارتش، امری اجتماعی است که تماما به پراتیک اجتماعی نیروی رهبری کننده انقلاب گره میخورد. منظور از تعیین بخشیدن به انقلاب مجموعه ای از این فعالیتهاى اجتماعی است که در ابعاد و جنبه های مختلف جنبش توده ای برای سرنگونی حکومت را هم از نظر مضمون و هم از نظر شکل مبارزه

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

تعیین بخشی به انقلاب

از صفحه ۷

انقلاب ۵۷ این فضای اختناقی را در هم شکست و جمهوری اسلامی با تمام توحش و کشتار و جنایاتش هیچگاه نتوانست جامعه را به سکوت و سکون بکشاند. بر بستر و با اتکا به این شرایط میتوان و باید نقد و اعتراض مردم به جمهوری اسلامی و وضعیت موجود را عمیق تر و هم جانبه تر کرد و توقع و انتظار جامعه از سرنگونی را بالا برد. باید در سطح گسترده ای در جامعه و در افکار عمومی نقد و نفی دیکتاتوری با نقد و نفی مجازات اعدام، خواست آزادی زندانیان سیاسی و نفی پدیده زندانی سیاسی، خواست انحلال نیروهای نظامی و انتظامی،

اولین پیش شرط مصون ماندن انقلاب در برابر دسیسه ها و سناریوها و دولتسازیهای نیروهای ارتجاعی بومی و منطقه ای و بین المللی است.

۲- حضور فعال چهره ها، نهادها، کمیته ها و جنبشهای اعتراضی

یک فاکتور مهم دیگر در تعیین بخشیدن به انقلاب تنوع گستردگی مبارزات و اعتراضات و درجه سازمانیافتگی آنها در شرایط پیشا انقلابی است. وجود خواستها و انتظارات و توقعات رادیکال و روشن در میان توده مردم یک فاکتور صرفا ذهنی و مربوط به درک و آگاهی نیست بلکه قبل از هر چیز خود را در جنبشها و حرکات اعتراضی حول

جنبشهای اعتراضی حول این خواسته ها و با نهادها و چهره ها و تشکلهای مبارزاتی در هر عرصه منجر شود و بروز پیدا کند. این نهادها و چهره ها و تشکلهای و کمیته ها در واقع نقطه اتکا و سرمایه انقلاب در برابر کمپ ضد انقلاب محسوب میشوند. هر چه این عوامل فعالتر و در سطح گسترده تری در جامعه حضور داشته باشند انقلاب شباهت کمتری به یک شورش و انفجار ناگهانی و قرابت بیشتری به یک حرکت متشکل و متحد و آگاهانه و نقشه مند خواهد داشت و لذا قادر خواهد بود تا پیروزی نهائی و تحقق آزادی و برابری و رفاه جامعه به پیش برود.

۳- نقش و ثقل اعتصابات و مبارزات کارگری

در دنیای امروز در همه کشورها کمپ انقلاب و ضد

رژیم با تمام قوا میکوشد از سقوط اسد ممانعت کند تا سقوط خود را به عقب بیاورد. ... اما علت دخالتگریهای جمهوری اسلامی در سوریه فقط ممانعت از سقوط اسد نیست بلکه همچنین قدرتنمایی در برابر انقلاب، و یا بقول سران هراسیده رژیم، "فتنه بزرگی" است که در خود ایران رخ خواهد داد. جمهوری اسلامی در سوریه سرکوب انقلاب ایران را تمرین میکند و درجه توحش و درنده خوئی خود را به رخ جامعه میکشد.

آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل و اعتصاب و تظاهرات، جدائی کامل مذهب از دولت، نفی تبعیضات نسبت به زنان و برابری کامل زن و مرد، محاکمه همه سران حکومت ساقط شده، تامین رفاه عمومی بر مبنای پیشرفته ترین معیارها و استانداردهای قرن بیست و یکم، نفی بوروکراسی و دولت مافوق مردم و دخالت مستقیم مردم در اداره امور خود، و غیره و غیره تداعی بشود. این

این خواستها نشان میدهد. مخالفت توده ای با اعدام باید شکل حرکات اعتراضی علیه اعدام بخود بگیرد، بهمین شکل خواست لغو آپارتاید جنسی و رهایی زن، خواست جدائی مذهب از دولت، آزادی بیان و تشکل و اعتصاب، خواست خلاصی فرهنگی و برخورداری از یک زندگی مدرن و امروزی، خواست پایان بخشیدن به فقر و تامین رفاه عمومی و غیره همگی باید به

کل جامعه از نظام سرمایه داری، و هم از نقطه نظر قدرت اجتماعی طبقه کارگر در اشکال و شیوه های مبارزه و فلج کردن کل نظم سرمایه، دارای جایگاه برجسته و تعیین کننده ای در انقلابات عصر ما است. در انقلاب ۵۷ گرچه بخاطر ضعف عمومی سازمانها و نیروهای چپ، در عرصه سیاسی طبقه کارگر ایران نمایندگی نشد و بهمین دلیل انقلاب ۵۷ به شکست انجامید، اما اعتصاب کارگران بخصوص کارگران صنعت نفت نقش اساسی و تعیین کننده ای در بزیر کشیدن شاه و نظام سلطنتی ایفا کرد. این نقش تعیین کننده اعتصابات و مبارزات کارگری بویژه در شرایط امروز که حکومتهای بورژوازی منطقه و در راس آنها و بیش از همه جمهوری اسلامی در سرکوب مبارزات توده ای با سبانه ترین شیوه ها و بخون کشیدن تظاهرات خیابانی تردیدی بخود راه نمیدهند، اهمیتی دو چندان پیدا میکنند. از سوی دیگر مشخصا امروز در جامعه ایران و در مبارزه و اعتراض علیه فقر و گرانی و عدم بیداد میکند، مبارزات کارگری میتواند نقش تعیین کننده ای در بسیج و بحرکت در آمدن مردم علیه شرایط غیر قابل تحمل موجود ایفا کند. در این میان بخصوص باید بر نقش و اهمیت اعتصابات کارگری تاکید کرد. بویژه اعتصاب در صنایع کلیدی نظیر نفت و پتروشیمی میتواند ضربه کاری به حکومت وارد کند و بخصوص قدرت سرکوب و بخون کشیدن انقلاب را از ارتجاع حاکم سلب کند. باید از هم اکنون ایده اعتصاب و نقش موثر آن در خنثی کردن تمهیدات ضد انقلاب و بخون کشیدن خیزش انقلابی مردم را بمیان توده کارگران برد و به

فضا و گفتمان اعتصاب در کل جامعه دامن زد. این امری است که بخصوص باید بوسیله نهادهای و چهره ها و تشکلهای کارگری وسیعا و فعالانه به پیش برده بشود.

جنبه دیگر ایفای نقش جنبش کارگری در تعمیق و تقویت انقلاب حمایت و همبستگی کارگران با مبارزات بر حق و آزدیخواهانه بخشهای دیگر جامعه است. هم اکنون در بیانیه های کارگری به مناسبت اول مه و یا در روز جهانی زن و غیره و یا در اعتراضات مشخص به اعدام و یا برای آزادی زندانیان سیاسی شاهد این مواضع حمایت آمیز هستیم. باید این جنبه ها گسترش پیدا کند و ابعاد وسیع تر و فعال تری بخود بگیرد. این اعلام حمایت فعالین و نهادهای کارگری از مبارزات و خواستههای توده مردم، که مبارزه و خواست توده کارگر نیز هست، در به پیش راندن جنبش کارگری در راس و محور مبارزات توده ای و انقلاب آتی در ایران نقش تعیین کننده ای ایفا میکند.

۴- فعالیت بین المللی در دفاع از انقلاب

اگر قطب ارتجاع جهانی است و دولتهای بورژوازی در یک سطح بین المللی برای به عقب راندن و به شکست کشاندن انقلاب توده های مردم بسیج میشوند و به حرکت درمی آیند، انقلاب در هر کشور نیز متحدین و حامیان بین المللی خود را دارد. بخصوص امروز در عصر اینترنت و مدیای اجتماعی مردم انقلابی از قدرت شکستن سد انحصارات رسانه های بورژوازی و گزارشدهی و

ادامه صفحه ۱۶

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

آرمیا و خشم مردم از اسلام

فرح صبری

چندی پیش مسابقه ای از طرف آکادمی گوگوش از شبکه تلویزیونی "من وتو" پخش شد. افراد شرکت کننده در این مسابقه و نحوه ی پیشرفت آن موضوع گپ و گفتگوی بسیاری از مردم قرار گرفت. حضور یک زن جوان محجبه که در آلمان زندگی میکند و با داشتن حجاب در مسابقه ی "خوانندگی" شرکت کرده بود، توجه بینندگان ایرانی این مسابقه را جلب کرده و باعث اظهار نظر های متفاوتی در این باره گردید و به فضای مجازی و صفحات فیس بوک نیز کشیده شد. در پایان مسابقه وقتی آرمیا "زن محجبه" به عنوان برنده ی مسابقه اعلام شد، اعتراضات و اظهار نظرهای زیادی مطرح شد. بخصوص از آنجایی که طبق برنامه ی اعلام شده از سوی مدیریت مسابقه در آکادمی گوگوش، قرار بود نفر نهایی و برنده مسابقه بر اساس آرای مردم انتخاب شود، اعتراضات و اظهار نظرها رنگ سیاسی به خود گرفت و به یک موضوع داغ در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی از قبیل فیس بوک بدل گردید و حتی بسیاری از کسانی که این برنامه را ندیده بودند، با علاقه وارد این بحث شدند.

موضوع داغ شدن نتیجه ی یک مسابقه تلویزیونی در فضای مجازی و انعکاس وسیع آن در جامعه قبل از هرچیز یکبار دیگر بر این واقعیت صحنه میگذارد که در شرایط امروز جامعه ایران که صدای مردم به طور کامل از طرف سیستم دیکتاتوری سرکوبگر سانسور و حذف

میشود، فضای مجازی به عنوان کانالی که میتواند صدای مردم را منعکس کند، مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. توجه مردم و بخصوص جوانها به شرکت در فضای مجازی و شبکه های چون فیس بوک نیز از همین رو است. البته تاثیر گذاری بین فضای مجازی و جامعه کاملاً دوطرفه و زنده میباشد، جامعه از اظهار نظرهای فضای مجازی تاثیر میگیرد و برعکس. از آنجایی که کمتر خانواده ای را میتوان پیدا کرد که یک عضو فیس بوک در آن نباشد، میتوان گفت که فضای مجازی میتواند به صورت یک نمونه ی زنده ی جامعه ی ایران مورد بررسی قرار گیرد و اعتراضات و نظرات مطرح شده در آن اهمیت پیدا کند.

یکی از نتایجی که میتوان از بررسی این ماجرا گرفت این بود که جامعه ی ایران بعد از سی چهار سال حکومت منحوس جمهوری اسلامی و اجباری کردن حجاب و قوانین شرعی و اسلامی، بشدت ضد مذهب است. مردم هیچگونه آشتی بین مذهب و مدرنیسم نمی بینند و از کسانی که خواسته یا ناخواسته تلاش میکنند به نوعی اسلام و حجاب را آراسته کنند و به خورد مردم بدهند بیزار میشوند. این نکته از ابتدای شروع این مسابقه و اظهار نظر های مردم در برابر آرمیا خانم محجبه به چشم میخورد.

از طرف دیگر اعتراضاتی که به نتیجه ی این مسابقه شد بار دیگر سیاسی بودن جامعه ی ایران را به نمایش گذاشت. مردم در عین حال که از تمامی برنامه

های سرگرمی و دیدنی مدیا استفاده میکنند فراموش نمیکنند که هر شبکه ی خبری و اجتماعی حتی سرگرمی بدنیاال پیشبرد اهداف سیاسی خاصی هستند. و با پخش هر برنامه تلویزیونی میخواهند اهداف سیاسی خودشان را به جامعه تزریق کنند.

دختر جوانی که به نتیجه ی این مسابقه اعتراض داشت میگفت: با اعتراضات فراوان به برنده شدن آرمیا معلوم گردید که این نتیجه بر اساس آرای مردم اعلام نشده است وگرنه این همه معترض وجود نداشت. او از اینکه خانم آرمیا در پایان مسابقه خود را نماینده ی زنان ایران معرفی کرده بود بشدت عصبانی بود و میگفت همه ی دنیا میدانند زنان ایران از حجاب متنفرند، آنوقت این خانم با حجابی که بر سر دارد خودش را نماینده ی زنان ایران میداند، تو چه میدانی زنان ایران از دست این حجاب چه میکشند؟ دختر دیگری میگفت: اصلاً روند مسابقه به صورتی نبود که به نظر بیاید آرمیا مستحق برنده شدن باشد، معلوم است که گردانندگان شبکه هدف دیگری دارند. آنها میخواهند به جوری مردم را با اسلام آشتی دهند!

حجاب برای زنانی که با شلاق و زندان و شکنجه به آنها تحمیل شده است تنها یک تکه پارچه نیست که بودن یا نبودنش تنها یک حق فردی باشد. در اینجا برای از بین بردن هویت انسانی زنان، حجاب را اجباری کرده اند و این را مردم ایران به خوبی می دانند. در جامعه ایران همه چیز معنای سیاسی دارد چرا که

حکومت برای بقای خود و سیستم کثیف سرمایه اش سیاست را به خصوصی ترین امور زندگی مردم وارد کرده است. انزجار مردم از نماد های مذهبی نشان میدهد که در آینده جامعه ی ایران بعد از جمهوری اسلامی دخالت مذهب در امور جامعه به هیچ حد و اندازه قابل قبول نخواهد بود. تلاشهای شبکه های مثل من و تو و بی بی سی برای تعدیل بیزاری مردم از مذهب نه تنها نتیجه ای نخواهد داشت بلکه باعث میشود دست این رسانه ها و جایگاه سیاسی شان بیش از پیش نزد مردم رسوا شود.

هنر در جامعه امروز ایران معنایی جز همراهی کردن با خواسته های مردمی و بیان انزجار و خشم عمیق مردم ایران علیه حکومت کثیف اسلامیان ندارد. از همین رو هنرمندی مثل گلشیفته که با برهنه کردن خود در برابر دوربین و انداختن سیاهی حجاب از بدنش دهان کجی خوبی به حکومت اسلامی کرد به یکی از محبوب ترین شخصیت های



هنری بدل شد. به همین دلیل اعتراض عریان زنان در کشور های منطقه در برابر جنبش اسلامی از دید بسیاری از مردم کاملاً قابل درک و مورد حمایت آنها است.

مردم در اعتراضات و اظهار نظرهایی که در باره ی این مسابقه ابراز کردند نشان دادند که سکولاریسم در ایران با نقد عمیق و زدودن دخالت مذهب از تمامی زندگی مردم معنا می هد. همانطور که برابری زن و مرد با رهایی کامل زنان از تمامی قید و بند ها و پایان یافتن بردگی جنسی تحقق خواهد یافت و این میسر نمیشود جز در یک جامعه سوسیالیستی!*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران شلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110,
127 02 Skärholmen - Sweden

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

حمایت دهها هزار نفره از حرکت ضد اسلامی زنان لبنان

شهلا دانشفر

یک خبر جالب و مهیج در این هفته کمپینی در فیس بوک برای پایان دادن به حجاب اجباری و سرکوب علیه زنان است. کمپینی که "انتقاضه زنان عرب در فیس بوک" نام گرفته است. ۵ زن لبنانی مبتکر این حرکت اعتراضی هستند. جالب تر اینکه یک ماه پس از به راه افتادن این کمپین ۶۰ هزار نفر به آن پیوسته و حمایت خود را از این حرکت اعتراضی اعلام کرده اند.

استقبال از این حرکت آنچنان گسترده است که فرح برقاوی یکی از پنج زن لبنانی مبتکر این کمپین در گفتگویی با رسانه ها این سطح از استقبال را تکاندننده خوانده و از اینکه دائما عکس های جدیدی در همبستگی با این فراخوان برای آنها ارسال میشود، سخن میگوید. به گفته وی تصاویر ارسالی از یمن و عربستان سعودی، از این کانون های قدرتمند ارتجاع اسلامی بیش از تصاویر دیگر کشور هاست و این خود اتفاق قابل توجهی دیگر در دل این حرکت است. فرح برقاوی همچنین با تاکید بر اینکه هدف کمپینشان نه تنها رهایی زن بلکه رهایی کل جامعه است از پیوستن ۳۵ تا ۴۰ درصد از مردان از کشورهای عربی به این کمپین خبر میدهد.

کمپین "انتقاضه زنان عرب در فیس بوک" یک اتفاق سیاسی مهم و شادی بخش است. اما این اتفاق نیز نشان دیگری از جنبش نوین آزادی زن در جهان متحول امروز است. نمونه دیگری از همین دست کمپین جهانی همین هفته در دفاع از آمینا تایلر دختر جوان ۱۹ ساله عضو سازمان فمن است. دختری که با اعتراض عربانش و نوشتن این جمله که "بدن من ناموس کسی نیست" جهانی را به حرکت در آورد. اسلامی ها علیه آمینا فتوای قتل صادر کردند و کمپینی جهانی با بیش از صد هزار امضا در حمایتش بر پا شد. کمپینی

جهانی که ۴ آوریل نقطه اوج آن بود و با ابتکار مریم نمازی و فراخوان مشترک او و مینا احدی از چهره های سرشناس جهانی مدافع حقوق زن و منتقد اسلامی و با استقبال سازمان فمن و نیروهای آزادیخواه دیگر، در این روز در کشورهای مختلفی از جمله آلمان، سوئد، فرانسه، اکراین، ایتالیا، آمریکا، سوئیس، بلژیک، کانادا، انگلیس، برزیل اعتراضات پرشوری برپا شد.

اگر این اتفاقات را در کنار ایستادن علیا المهدی در مقابل جریانات مرتجع اسلامی در مصر و اولتیماتوم زنان این کشور که اعلام داشتند "اگر مرسی نرود، لخت به خیابان خواهند آمد"، قرار دهیم، آنگاه تصویر روشنی از تحولات مهمی که در سطحی جهانی در جریان است، بدست می آید. تصویری که به روشنی نشان از یک جنبش از نوعی جدید در سطحی جهانی دارد. جنبشی علیه بردگی جنسی زن که اسلام سیاسی و هر گونه تحجر مذهبی را در سطحی جهانی به چالش کشیده است. جنبشی که بطور واقعی اعتراضش به کل نظام نابرابر موجود است و صدایش را در ایران، در تونس، در مصر، در مراکش، در لبنان و در سراسر جهان رساتر از هر وقت می شنویم. همان صدایی که در ایران با کنار زدن هر روز بیشتر حجاب اجباری و حجاب برگیران رژیم اسلامی را در پیاده کردن قوانین ارتجاعی اسلامی اش به بن بست کشانده است. یک نمونه از قدرت این جنبش را باید از زبان احمدی مقدم احمدی مقدم فرمانده جنایتکار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی شنید. او در جمع بندی و ارائه کارنامه سال گذشته شان به شکست در این عرصه اقرار می کند و میگوید آنها به این نتیجه رسیده اند که امر به معروف به ضرب "چوب زدن" جلو نمیرود!

این جنبش نوین آزادی زن است که چنین قدرتمند به جلو میروند و امروز شاهد نقش آن در صحنه

سیاست جهان هستیم. جنبشی که آزادی و برابری را فریاد زده و میکوشد مهر پایانش را بر هر گونه تحجر مذهبی و ارتجاعی بکوبد. همه این تحولات و آنچه که امروز در اعتراض به بردگی جنسی زن و قوانین شریعه در ایران، تونس، مصر و لبنان و در سراسر جهان میگردد، همه یک جنبش است.

تاکید من بر یک همبستگی گسترده در جلو بردن جنبشمان و خواسته های اعتراضی مان در ابعادی جهانی است و فراخوان من بر حمایت وسیع مردم و دختران و پسران جوان و آزادیخواه در ایران از کمپین ۵ زن لبنانی علیه حجاب اسلامی این پرچم آپارتاید جنسی است.

قلب مهربان عطا محمد نژاد (عطا دیواندره) از حرکت ایستاد!

آزادمنش عطا مورد حمله قرار گرفت و این بار قلبش برای همیشه از حرکت باز ایستاد و از میان ما رفت.

عطا کمونیست قدیمی و فعال سیاسی سرشناس علیه حکومت اسلامی ایران، سالها در صف حزب کمونیست ایران و کومه له فعالیت کرده و سپس به عضویت حزب کمونیست کارگری ایران در آمد. او بعنوان یک فعال کمونیست و آزاده و ضد حکومت اسلامی ایران در شهر محل زندگیش و در بین مردمی که او را می شناختند، شناخته شده و چهره ای دوست داشتنی بود. عطا دیواندره چهره محبوب و مهربان در بین مردم دیواندره و کردستان بود.

جان باختن این کمونیست پرشور و این انسان مهربان را به همه بستگان، رفقا و همکارانش تسلیت میگوییم. در مورد مراسم دفن و بزرگداشت عطا، بعدا دوستان، رفقا و علاقمندان او را مطلع خواهیم کرد.

یاد و خاطره عطا همیشه زنده خواهد ماند! یادش گرامی باد! کمیته کردستان حزب کمونیست

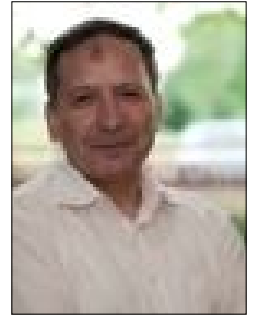
کارگری ایران
۱۱ آپریل ۲۰۱۳



عطا فعال سرشناس و کمونیست محبوب مردم دیواندره و کردستان، درگذشت! با نهایت تأثر و تأسف روز یکشنبه ۳۱ ماه مارس ۲۰۱۳ عطا محمدنژاد معروف به عطا دیواندره عضو حزب کمونیست کارگری ایران، فعال سیاسی قدیمی و از مخالفین سرسخت حکومت اسلامی ایران در بیمارستانی در شهر کیل - آلمان دیده از جهان فرو بست و برای همیشه از میان ما رفت. عطا متولد سال ۱۹۶۶ بود. عطا اوایل ماه مارس در حالیکه در یک مرکز ورزشی در شهر کیل آلمان در حال ورزش بود، بر اثر حمله قلبی از هوش رفته و سپس به بیمارستان منتقل شد. تحت عمل جراحی قلب قرار گرفت و بعدا در یک کلینیک دیگر در حال سپری کردن دوران نقاهت بود. متأسفانه حدود ساعت ده شب روز گذشته یکشنبه ۳۱ ماه مارس ۲۰۱۳ یک بار دیگر قلب مهربان و

بازتاب هفته

انتخابات و تیر خلاص به جمهوری اسلامی



بهروز مهربادی

محسن رضائی دبیر تشخیص مصلحت نظام، فرمانده سابق سپاه پاسداران و کاندیدای منصب ریاست جمهوری اعتراف کرد: "امروزه سیاست و انتخابات به سمت مافیای پول رفته و عامل تعیین کننده در انتخابات،

ثروت است. این وضعیت انتخاباتی در کشور تیر خلاص زدن به جمهوری اسلامی است. معلوم است که قافیه بر این خادم قدیمی نظام تنگ آمده است، چون ملتسمانه از رقبا تقاضا می کند: "قدرت و ثروت نباید وارد مسئله انتخابات شود". برای این سردار سابق سپاه فرق نمی کند که کدام باند مافیائی قدرت را در دست بگیرد، او بیعت خود را با برنده اعلام می کند و درخواست دارد که سهمی هم به او داده شود: "دست رقیب را بوسیم و همه با هم برای پیشرفت ایران اسلامی گام برداریم."*

سرمایه داری بدون فساد ممکن نیست

مالی و صنعتی در بیش از ۱۷۰ کشور جهان بچشم میخورد. کارشناسان حجم این دزدی ها را بیش از ۳۰ تریلیون دلار تخمین می زنند. نام مقامات دولتی و خانواده های ثروتمند از کانادا، آمریکا، چین، ایران، تایلند، هند، پاکستان و بسیاری از کشورهای دیگر در این لیست طولانی بچشم می خورد. الهام علی اف رئیس جمهور آذربایجان و خانواده او، همسر معاون نخست وزیر روسیه، وزیر دارایی سابق کابینه فرانسوا اولاند و خزانه دار ستاد انتخاباتی او، دختر فریدیناند مارکوس دیکتاتور فیلیپین، وزیر سابق اقتصاد مغولستان، بعضی از اعضای خانواده سلطنتی

سود هنگفت حاصل از استثماری ۹۹ درصد از مردم، جوابگوی حرص بی نهایت اقلیت يك درصدی حاکم بر سرنوشت جهان نیست. در پشت پرده قوانینی که غارت و استثماری را قانونی و مشروع جلوه می هد، چپاول دسترنج مردم زحمتکش جهان در ابعاد بسیار گسترده تری جریان دارد که خود حاکی از گندیدگی و فساد ذاتی سرمایه داری است. در روزهای اخیر رسانه ها خبر از افشای نزدیک به دو و نیم میلیون سند از کشفکاری های سرمایه داران بزرگ دادند. در این اسناد نام بسیاری از مقامات ارشد حکومتی، اعضای خانواده های سلطنتی، روسای موسسات بزرگ

جایزه برای شیرین عبادی، مدافع قدیمی نظام اسلامی

که آیت اله منتظری را "پدر حقوق بشر" در ایران لقب داده است چیزی نمی تواند باشد بجز تائید اعدام با طناب ابریشمی، انجام سنگسار پنهان از انظار عمومی، قطع دست و پا با نظارت پزشک متخصص و وجود آزادی های سیاسی مطابق الگوی ۴۰۰ سال قبل. برگزاری نمایش مسخره و چندش آور اعطای جایزه حقوق بشر به شیرین عبادی فقط می تواند سوژه ای برای دست انداختن و هو کردن مجریان آن باشد.*

اسلامی در آمریکا و اروپا است. این واقعه و رابطه نزدیک شیرین عبادی با سازمان نایک و تریتا پاریسی فرصتی شد تا در فضای مجازی نظیر فیس بوک علایق و روابط گرم و تنگاتنگ خانم عبادی با جمهوری اسلامی و حمایت صریح او از پروژه های اتمی جمهوری اسلامی و همچنین دفاع او از موجودیت حکومت جهل و جنایت اسلامی، یادآوری شود. دادن جایزه "حقوق بشر" به کسی

روز ۱۳ فروردین خانم شیرین عبادی در نیویورک در مراسمی شرکت کرد که تا جایزه حقوق بشری ولفگانگ فریدمن را دریافت کند. دادن این جایزه به خانم عبادی را باید بخشی از بند و بست هایی دانست که برای اهلی کردن جمهوری اسلامی و سیاست نشان دادن چماق و هویج به آن، انجام می گیرد. سخنرانان اصلی این مراسم تریتا پاریسی رئیس سازمان نایک و از دلالات و کارگزاران علنی جمهوری

شعله ها در مصر بالا می گیرد

بین المللی پول است. می توان پیش بینی کرد که فشار بیشتر بر مردم خشم و نفرت از حکومت محمد موری را افزایش خواهد داد و آن را بی ثبات تر خواهد کرد. مردم مصر ساکت نخواهند نشست و رژیم حاکم بر مصر چاره ای جز سرکوب بیشتر ندارد. بحران اقتصادی و سیاسی و به تبع آن مبارزه بین انقلاب و ضد انقلاب در مصر شدیدتر خواهد شد. مصر آرام نخواهد نشست و تن به حکومت اسلامی نخواهد داد. در آینده نزدیک باید منتظر بالا گرفتن شعله ها در مصر بود.*

دولت مصر مذاکره با صندوق بین المللی پول را برای دریافت ۴ میلیارد ۸۰۰ میلیارد دلار وام آغاز کرده است. لازم به ذکر نیست این وام برای نوسازی ارتش و سایر ارگان های سرکوب و پر کردن جیب سرمایه داران جدید و قدیم مصر اختصاص خواهد یافت اما بازپرداخت آن به عهده کارگران و زحمتکشان و اکثریت مردم مصر خواهد بود. کاهش خدمات عمومی نظیر آموزش، بهداشت و درمان، حقوق بیکاری و بازنشستگی، گران شدن و سهمیه بندی کالا ها پیش شرط پرداخت این وام از طرف صندوق

کودکان قربانیان همیشگی تروریسم اسلامی

کشتار کودکان، از شیوه های همیشگی گروه های اسلامی برای ایجاد رعب و وحشت و ممانعت از تحصیل کودکان بوده است.*

آزرا کشته و دست کم شش کودک را مجروح کردند. این کودکان بین ۵ تا ۱۰ سال سن داشتند. حمله به مدارس بویژه مدارس دخترانه و

روز ۱۰ فروردین مقامات دولتی پاکستان اعلام کردند که مردان مسلح با تفنگ و نارنجک به يك مدرسه در کراچی حمله کرده، مدیر

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلائی بدل میشود!

رقص و آواز در سی و سه پل



مهراب دشتی

هفتم فروردین بود. بچه‌ها گفتند: خسته شدیم از "منارجنبان و کلیسای وانک و چهلستون و مسجد شیخ لطف الله!" نمی‌دانم کی بود که گفت: مردم از اون سردنیا می‌آن این آثارباستانی را ببینند، ما که این جاییم و این‌ها هم تاریخ ما هستند، نبینیم شان؟! بچه‌ها گفتند: ول کنین این تاریخ یخ زده رو! یکی گفت: باغ پرندگان چطوره؟ بچه‌ها گفتند: یه بار دیدنش خوبه. تکرارش ولی ضایع ست. اما باغ پرندگان بهتر از جاهای دیگه ست. هرچه باشه موجودات زنده اون جا هستند نه یه مشت خشت و نقش و نگار فسیل شده که هرسال رنگ و روغنش می‌کنن تا گندش همه جا رو ورنداره. چیه هی از این خرپشته به اون خرپشته!... بریم توی شهر چرخ بزنیم. مغازه‌ها رو ببینیم. آدم‌ها رو ببینیم. تو شون وول بخوریم... یکی از بچه‌ها گفت: بستنی بخوریم!

خلاصه راه افتادیم. بچه‌ها گفتند: سی و سه پل... سی و سه پل دورنبود. زود رسیدیم. شلوغ بود. روی پلش جای سوزن انداختن نبود. جمعیت موج می‌زد برعکس زاینده رود که خشک بود. نه آب داشت. نه موج. روی پل، اما رودخانه‌ی خروشان مردم، جاری بود. زن و مرد و دختر و پسر دست در دست هم می‌رفتند و می‌آمدند. صدای آکاردئون می‌آمد. دو جوان، عمو نوروز شده بودند. یکی دایره می‌

زد، یکی می‌رقصید. طاقی‌های دو طرف روی پل را دستفروش‌ها قروق کرده بودند. نقل و نبات و گز و تنقلات می‌فروختند. بعضی هاشان هم چای می‌فروختند. بوی نوروز همه جا پیچیده بود. عکاسان دوره گرد دوربین به گردن، داد می‌زدند: عکس... عکس یادگاری!... از دهانه‌ی غرفه‌ها و حجره‌های تاق ضربی سمت شرق و غرب پل، بستر رودخانه پیدا بود. بی‌آب و تشنه لب. وسط‌های پل، یک نفر زده بود زیر آواز. غزل می‌خواند. لحن شادی داشت. جمعیت به طرف آواز کشیده شده بودند.

بیخود!... مگه شهر هرته؟... ای مردم رو جمع کنه... وایسه خودت معرکه گرفتی!... ای مردم میانسالی که خیلی عصبانی نشانی داد، می‌گفت: راهش جوان سرش را به این طرف و آن طرف می‌چرخاند و نمی‌رفت. یک نفر از میان جمعیت فریاد زد: ولش کن! جمعیت انگار منتظر بودند. یک صدا فریاد زدند: ولش کن... ولش کن... یک عده سوت زدند و ماموران را "هو" کردند. پل، یکپارچه فریاد شده بود. ماموران چندقدم آن طرف تر، مرد آوازخوان را رها کردند. جمعیت سوت می‌زدند و "هو" می‌کردند. ماموران، درانبوهی جمعیت گم شدند. مرد و زنی که در کنار ما ایستاده بودند، می‌گفتند: این کاشفا چشم ندارند شادی کردن مردم رو ببینند. یکی از مسافران می‌گفت: مساله شون جمع شدن مردمه. میترسن یکی بیاد به هر وسیله

ساعات پخش برنامه های کانال جدید افزایش یافت!

پخش برنامه های تلویزیون کانال جدید از چهارشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۱ برابر با ۲۰ فوریه، به ۴ ساعت در روز افزایش یافت.

کانال جدید هر روز هفته، از ساعت ۹ و نیم تا ۱ و نیم شب بوقت ایران (۷ تا ۱۱ شب به وقت اروپای مرکزی) پخش میشود.

کانال جدید همه روزه برنامه پخش مستقیم دارد. با برنامه پخش مستقیم تماس بگیرید!

فرکانس و ساعات پخش کانال جدید را به اطلاع دیگران برسانید!

به کانال جدید کمک مالی کنید! یاری کنید تا ساعات پخش را باز هم افزایش دهیم!

کانال جدید:

شبکه کورد کانال kurd channel

هاتبرد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۶۴۲

افقی، سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۶/۵

<http://www.newchannel.tv/>
nctv.tamas@gmail.com

شماره حساب:

England
Account nr: 45 47 79 81
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
4779 81
BIC: NWBK GB 2L

درک وارونه از دنیای وارونه

سیاوش آذری

اخیرا خبری در سایت رادیو فردا به قلم رویا کریمی مجد منتشر شد که نمونه بارز درک آکادمیستی و چند فرهنگ گرایانه از اوضاع سیاسی و تحركات اجتماعی علل العموم و بویژه تحلیل غیر سیاسی از انقلابات شمال آفریقا را به نمایش میگذارد. خبر بظاهر در واکنش و تقابل با فتوای آخوندی به نام محمد العریفی تدوین شده. این آخوند چندی پیش طی فتوایی اعلام کرده بود که زنانی که به عقد موقت مخالفین مسلح رژیم بشر اسد درآیند روانه بهشت خواهند شد. این "فراخوان" به زنان تونسی به "جهاد النکاح" ملقب شده است.

نفس ضد زن و مرد سالارانه این فتوا برای همه آشکار است. نکته جالب اینکه رویا کریمی این فتوا را مستمکی برای تحقیر انقلابات منطقه و تصدیق بینش چند فرهنگ گرایانه خود قرار داده است. خود نویسنده خبر معترف است که تا کنون تنها سیزده زن به این فتوا پاسخ مثبت داده اند. با این حال ایشان به این نتیجه میرسند که انقلاب تونس، بر خلاف آنچه انتظار میرفت، موجب نیرومندتر شدن جریانات اسلامی شده است. اما تحلیل ایشان از این "نیرومندتر" شدن این است که گویا سقوط "دیکتاتوری سکولار" در تونس موج بازگشت به سوی به اصطلاح باورها و فرهنگ بومی و اسلامی را به همراه داشته است. نفس بکارگیری چنین

زبانی در تحلیل انقلاب تونس و دیگر انقلابات در کشورهای منطقه نشاندهنده جهت گیری سیاسی نویسنده و رویکرد آکادمیکی بستر اصلی به این تحولات است. در نگاه اول چنین به نظر میرسد که این رویکرد نگران تضعیف حقوق زنان در جوامع پسا انقلابی شمال آفریقا است. اما آنچه در میان سطور مشهود میگردد تقابل با انقلاب و جنبش آزادیخواهانه و برابری طلب در این جوامع است. بنا بر این نگرش تونس کشوری اسلامی است و تنها دیکتاتوری نظامیان و سکولارها از اسلامی شدن این جامعه جلوگیری کرده است. این همان نگاه و تفسیر وارونه ای است که امثال حزب عدالت و توسعه در ترکیه نیز برای توجیه خود و کسب مشروعیت به دست میدهند.

نگارنده خبر خود این نکته را ذکر میکنند که این فتوا هم واکنش سازمانهای مدافع حقوق زنان را برانگیخته و هم واکنش اسلاميون را. اما با این حال به این نتیجه رسیده که چون تا به حال چنین فتوایی در تونس و احتمالا در هیچ کشور اسلامزده ای سابقه نداشته پس اسلاميون بسیار قدرتمند شده اند. در متن خبر ذکر میگردد که اسلاميون "مننقد" این فتوا معتقدند که چنین فراخونهایی چهره اسلام را مخدوش میکنند. نفس اینکه این حضرات نگران مخدوش شدن چهره اسلام و ابراز انزجار مردم از این دین هستند نشانه جایگاه ضعیف باورهای اسلامی در میان مردم تونس را دارد. اما نگارنده خبر امر خویش را دنبال میکند و به جای تحلیل ابژکتیو

زنان به باورهای دیرینه اسلامی خود رجعت نموده اند. اینکه اسلاميون سعی در به شکست کشاندن انقلاب و اعمال سلطه بر این جوامع را دارند امریست آشکار. اما تفسیر رویا کریمی از این وقایع آنچنان است که از سویی انقلابيون را، با ژست دفاع از حقوق زنان، به دلیل مخالفت با جنبش اسلامی شماتت میکند و از دیگر سو تحركات جنبش کثیف اسلامی را با عنوان رجعت به فرهنگ "خودی" مشروعیت میبخشد. مشکل نگرش امثال کریمی

اما مشکل معرفتی نیست، سیاسی است و نشانگر تعلق و جهت گیری سیاسی "چیپی" است که مساله اش نه تغییر دنیا که در بهترین حالت تفسیر آنست؛ چه جونیوریستی که در بهترین حالت تفسیری وارونه از دنیای وارونه به دست میدهد و در دنیای واقعی به سیاهی لشکر جنبشها و جک و جانورهای مختلف بورژوازی، از اسلامی تا نظامی، مبدل میگردد. انقلابات عربی در کنار دیگر چیزها تاریخ انقضای این چه را نیز به نمایش گذاشتند.*

به نظر من کسی که نظام اقتصادی موجود را بهترین و ممکن ترین نظم می نامد، دارد به توحش خودش اعتراف می کند.

واقعیت این است که بویژه با نقد مارکس به سرمایه داری بشریت ضرورت و امکان پذیری يك نظام اقتصادی و اجتماعی برتر را اعلام کرده و حتی خطوط اساسی چنین جامعه ای را ترسیم کرده است. جامعه ای متکی بر برابری و آزادی کامل انسانها، جامعه ای مبتنی بر تلاش خلاقانه همگانی برای تامین نیازهای بشری، جامعه ای که در آن وسایل تولید دارایی مشترك همه مردم باشد. جامعه ای بدون طبقات، بدون تبعیض، بدون کشور و بدون دولت مدتها است که مقدر است. خود سرمایه داری مقدمات مادی این نظام اقتصادی نوین را فراهم کرده است.

مارکسیسم و جهان امروز
- منصور حکمت در مصاحبه با انترناسیونال -
اسفند ۱۳۷۰

اساس سوسیالیسم انسان است!

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را می‌توانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است.
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
branch: Wood Green, Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

دستگیری بیش از ۱۷۰ نفر از جوانان و فعالین در خوزستان



سایر بازداشتگاههای شهرهای خوزستان و با ارسال نامه و طومار حمایتی از زندانیان به سازمانهای جهانی خواستار آزادی فوری این زندانیان و توقف دستگیریها بشوند.

حمایت وسیع از دستگیر شدگان روزهای اخیر و کلیه زندانیان سیاسی در خوزستان، کمک میکند تا از گسترش فضای سرکوب توسط حکومت اسلامی در ایران جلوگیری نماییم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

چهارم آوریل ۲۰۱۳
Campaign to Free
Political Prisoners in
Iran (CFPPI)

Sarvar Kardar
Coordinator
+47 (0) 4133 3268
freepoliticalprison-
ers@gmail.com
Address: CFPPI
BM Box 6754, Lon-
don WC1N 3XX,
U.K.
www.iranpoliticalpris-
oners.com

است. بنا به گفته خانواده های دستگیر شدگان، فرزندان آنها در شرایط بسیار نامناسبی بازداشت و مورد ضرب و شتم ماموران قرار گرفته اند. علاوه بر این در بازداشتگاههای مختلف شهر اهواز بسیاری از این افراد تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند. اسامی تعدادی از افرادی که طی روزهای گذشته دستگیر شده اند به شرح زیر است: عزیز صالحی - باقر مقدم - نجم برومی - صالح نصیری - عبدالله موسوی - جارانله هاشمی - ابراهیم صیاحی - کاظم عبیدادی - احمد ساعدی

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از تمامی خانواده های این زندانیان میخواهد که با ارسال اطلاعات تکمیلی، ما را در حمایت از دستگیر شدگان و گزارش دهی به ارگان های بین المللی یاری کنند. ما همچنین از خانواده ها و مردم آزادیخواه خوزستان میخواهیم که با تجمع در مقابل بازداشتگاه "عملیات کارون" و

بنا به گزارش های رسیده به کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، در شهرهای مختلف خوزستان طی روزهای اخیر تعداد زیادی از جوانان و فعالین دستگیر و به بازداشتگاههای مختلف در سطح استان منتقل شده اند. بنا به گفته فعالین با توجه به نزدیکی سالگرد اعتراضات ۲۶ فروردین ماه سال ۱۳۸۴ در استان خوزستان، نیروهای امنیتی و انتظامی این استان در مناطق عرب نشین اقدام به دستگیریهای وسیع در مناطق مختلف کرده اند. بنا به گفته خانواده های دستگیر شدگان بسیاری از این افراد به بازداشتگاه "عملیات کارون" که از جمله مخوفترین بازداشتگاههای امنیتی در شهر اهواز به شمار میرود، انتقال داده شده اند.

این دستگیریها که شبانه و با یورش گسترده ماموران انتظامی و امنیتی همراه است، در شهرهای مختلف استان، تاکنون منجر به دستگیری بیش از ۱۷۰ نفر شده

زنده باد سوسیالیسم!

گزارش تصویری از مراسم های روز جهانی دفاع از آمینا در کشورهای مختلف



تورنتو - کانادا



مالهوا - سوئد



لندن - انگلیس



پاریس - فرانسه



استکهلم - سوئد



میلان - ایتالیا



فرانکفورت - آلمان



بروکسل - بلژیک



برلین - آلمان

تعیین بخشی به انقلاب

از صفحه ۸

رقمهای نجومی دزدیهای سران رژیم و تا بسیج نیروهای سرکوبگر حکومت علیه زنان و جوانان - وسیعا و به زبانهای مختلف اطلاع رسانی کرد، کمپینها و آکسیونهای اعتراضی سازمان داد، سازمانهای کارگری و نیروهای آزادیخواه و سکولار و مترقی در همه کشورها را به حرکت در آورد، و یک جبهه فعال و موثر جهانی در حمایت از مبارزات مردم ایران سازمان داد. حمایت توده های مردم و نیروهای آزادیخواه و انقلابی در همه کشورها یک عامل موثر در تقویت انقلاب و مصون داشتن آن در برابر توطئه ها و مانورهای ضد انقلاب داخلی و بین المللی است.

۵- عروج حزب بعنوان آلترناتیو قابل اعتماد و اتکای مردم برای جانشینی حکومت

پیشبرد مجموعه وظایف فوق نیازمند وجود و حضور یک حزب کمونیست انقلابی نظیر حزب کمونیست کارگری در جامعه و دخالتگری فعال آن در تحولات سیاسی است. بدون چنین حزبی جنبش کارگری نه در عرصه سیاست نمایندگی میشود و نه قادر خواهد بود جایگاه و ثقل شایسته خود را در جامعه کسب کند؛ بدون چنین حزبی نه توقعات و خواستهای روشن و رادیکال میتواند توده گیر بشود و نه میتواند کمپینها و آکسیونهای موثر حمایتی در سطح جهانی شکل بگیرد. حزب محور و نقطه اتصال و هماهنگی مبارزه و پیشروی در همه این عرصه ها است. اما اهمیت وجود یک حزب و

اطلاع رسانی مستقیم از اعتراضات و مبارزات خود در سطح جهانی برخوردار هستند. در خیزش انقلابی ۸۸ ایران و در انقلاب مصر و تونس ما شاهد شکلگیری حمایت جهانی مردم آزادیخواه جهان از انقلاب بودیم. در جنبشهای اعتراضی نظیر جنبش اشغال، و امروز در جنبش اعتراضی رهائی زن از انقیاد و بردگی جنسی و علیه مذهب و اخلاقیات زن ستیز در سراسر جهان نیز جهانی و بین المللی بودن اعتراضات یک خصلت و نقطه قوت مهم این حرکتها است. در رابطه با اعتراضات و مبارزات کارگران، جنبش اعتراضی علیه اعدام و سنگسار و مقاومت و تعرض جوانان و زنان علیه مذهب و حکومت مذهبی در ایران نیز این جنبه جلب توجه و حمایت بین المللی نقشی اساسی ایفا میکند. انقلاب در ایران میتواند و باید، مانند مبارزه ای. ان. سی. علیه رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی، از یک بازو و شاخه قوی و موثر بین المللی برخوردار باشد. و این مهمترین وظیفه ای است که در برابر فعالین و نهادها و شخصیتها و نیروهای انقلابی مقیم خارج کشور قرار دارد. باید از همین امروز حول مسائل مختلفی که هر روز در جامعه ایران اتفاق می افتد - از خودکشی زنانی که در زندانها به آنان تجاوز شده است تا دستگیری و محکومیت فعالین جنبش کارگری به جرم اعتراض و مبارزه برای خواستهای بر حق خود و تا کشتار ستار بهشتی ها و فتوای قتل شاهین نجفی ها و حکم اعدام زانیارها و تا برملا شدن

امروز دیگر در جامعه ای مثل ایران سؤال محوری "انقلاب یا استعانه" نیست. مطلوبیت انقلاب و شکلگیری انقلاب را باید فرض گرفت. مسأله چگونگی پیشروی و به پیروزی رساندن انقلاب است. و این امری است که امروز در محور وظایف حزبی مثل حزب ما که در تمام دوران سیاه یکه تازی نیروها و دولتهای تروریستی، بر ضرورت و مطلوبیت انقلاب بعنوان تنها راه عملی و انسانی رهائی جامعه تاکید کرده است، قرار میگیرد.

نیروی انقلابی تنها به سازماندهی و رهبری مبارزات محدود نمیشود. نفس حضور و وجود یک حزب کمونیست انقلابی به معنی برخورداری توده مردم و کمپ انقلاب از یک آلترناتیو حکومتی است که میتواند در برابر لائیهها و دولتهای دست ساز آنها قدرت خیابان و انقلاب، قدرت مردم متشکل در شوراها و عروج تشکلهای نوع شورائی بعنوان دولت را نمایندگی کند. این خطیرترین و مهمترین وظیفه ای است که در برابر حزب ما قرار دارد. این دو جنبه از نقش و اهمیت حزب، حزب بعنوان نیروی فعال و دخالتگر و پیشرو در اعتراضات و مبارزات و حزب بعنوان نیروی آلترناتیو انقلابی قدرت سیاسی، دو جزء مکمل یکدیگر و کاملا به هم تنیده اند. از هر دو جنبه پراتیک اجتماعی حزب نقشی حیاتی و محوری دارد. در صحنه مبارزه و از طریق پراتیک اجتماعی است که حزب میتواند به قدرت قابل اتکا و اعتماد توده های مردم تبدیل شود، میتواند در صف مقدم اعتراضات و مبارزات مردم ظاهر گردد، چشم انداز سوسیالیستی طبقه کارگر را در برابر توده مردم انقلابی قرار دهد و بعنوان تجلی و مدافع و نماینده اعمال اراده مستقیم مردم در اداره امور جامعه و نیروی شکل دهنده دولت نوع شورائی در جامعه شناخته شود.

هم حزب و پراتیک اجتماعی آن در عرصه های مختلف موتور و نیروی محرکه اصلی وظایفی است که بعنوان تعیین بخشی به انقلاب توضیح داده شد، و هم موقعیت و دامنه نفوذ اجتماعی حزب خود در گرو پیشبرد این وظایف است. (برای توضیح مشروحتر این موضوع رجوع کنید به مقاله "ویژگیهای وضعیت سیاسی ایران و جایگاه پراتیک اجتماعی حزب"، انترناسیونال ۴۹۲-۱۵ فوریه ۲۰۱۳). همانطور که در ابتدای نوشته اشاره شد صف انقلاب و ضد انقلاب خود را برای دخالتگری در شرایط متحولی که در راه است آماده میکنند. حزب ما با در دستور قرار دادن مجموعه فعالیتها و وظایف فوق به استقبال انقلاب میروند و خود و جامعه را برای طوفانی که در راه است و مقابله با سیاستها و دخالتگریها و مانورهای نیروهای ضد انقلاب، آماده میکند. این در پایه ای ترین سطح پاسخ ما به مسأله تامین رهبری و سازماندهی و به پیروزی رساندن انقلاب در ایران است.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!